

علیه اعدام

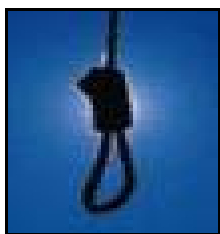


۱۳۸۵ تیر ۱۳

شماره ۳۵

سردبیر: بابک شدیدی

در فلیپین اعدام
ممنوع شد!
۱۲۰۰ زندانی محکوم به
مرگ در فلیپین، از اعدام
نجات یافتند.



هفته گذشته دولت فلیپین به زمره دولتهایی پیوست که در آن اعدام ممنوع است. اکنون در کشور فلیپین اعدام و قتل عمد دولتی غیر قانونی است و دیگر هیچ کس را با هیچ بهانه و توجیهی نمیتوانند اعدام کنند.

این یک پیروزی برای جنبش علیه اعدام در فلیپین و در دنیا است. کمیته بین المللی علیه اعدام این موفقیت را پاس میدارد و برای لغو اعدام برای ممنوعیت قتل عمد دولتی در سراسر دنیا فعالیت میکند. اعدام اسم رمز و اسم تلطیف شده قتل عمد دولتی است. دولتها برای زهر چشم گرفتن از مردم، برای ترساندن آنها و به تمکین وادار کردن مردم، به حربه اعدام متوسل میشوند. ظاهرا گفته میشود برای مقابله با جرم و برای مجازات مجرمین و یا برای جلوگیری از دیده

صفحه ۲

آکسیون سازمان آزادی زن در
حمایت از ملک قربانی با استقبال
روبرو گردید.
صفحه ۶



در پی اعلام حکم سنگسار ملک قربانی در نقده سازمان آزادی زن یکسری فعالیت ها را در دستور خود قرار داد. نامه به سازمانهای دفاع از حقوق بشر و زنان از جمله این اقدامات بوده است. روز 30 جون 2006 هم آکسیونی اعتراضی در حمایت از ملک

مصاحبه نشریه علیه اعدام با ایرج مصداقی

صفحه ۴

کمیته بین المللی علیه سنگسار
اطلاعیه شماره یک

حکم سنگسار یک زن در زندان ارومیه
کمیته بین المللی علیه سنگسار ، خواهان لغو فوری
این حکم است!



ملک قربانی ، از شهر نقده ، سه روز قبل، حکم سنگسار خود را از سوی مقامات جنایتکار حکومتی در زندان ارومیه دریافت کرد. او که اهل شهرستان نقده است، بجرم رابطه جنسی خارج از ازدواج دستگیر شده است.

صفحه ۲

کمیته بین المللی علیه اعدام
اعدامهای گسترده در
ایران
فقط در یک هفته اخیر
۹ نفر در ایران اعدام
شدند!

جمهوری اسلامی ایران ، یکبار دیگر برای مقابله با موج فزاینده اعتراضات عمومی، برای مقابله با اعتراضات و اعتصابات کارگری، اعتراض زنان و جوانان و مردم ایران و از ترس اوج گرفتن اعتراضات دانشجویی در آستانه هیجده تیر، قداره را از رو بسته و فقط در یک هفته اخیر بیش از ۹ نفر را در سراسر ایران اعدام کرده است. در ارومیه فعالین سیاسی و منتقدین حکومت به دار آویخته میشوند، در اهواز و شیراز و اصفهان و تهران تعداد زیادی اعدام میشوند و دو روز پیش جوان ۲۲ ساله ای در شیراز به دار آویختند.

روزی نیست که حکومت اسلامی ایران تعدادی را به اعدام محکوم نکند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن محکوم کردن شدید این رفتار وحشیانه حکومت اسلامی، نگرانی عمیق خود را از گسترش یافتن این اعدامها اعلام میکند.

کمیته علیه اعدام از مردم در ایران و در سراسر جهان دعوت میکند که به

صفحه ۲

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!



کمیته بین المللی
علیه اعدام
۲۶ ژوئن ۲۰۰۶
[http://
www.adpi.net](http://www.adpi.net)

فشار گذاشت به این اعدامها
علنی و واضح اعتراض
کند.
به احکام اعدام در ایران
اعتراض کنید. نگذارید
حکومت اسلامی بیش از
این قربانی بگیرد. برای
نجات جان محکومین به
اعدام به پا خیزید!

بین الملل را به انجام دادن
اقدامت ویژه برای
جلوگیری از اجرای احکام
اعدام در ایران فرامیخواند.
اکنون شورای حقوق بشر
سازمان ملل، را که هفته
قبل آغاز بکار کرده و در
اولین برنامه افتتاح خود
میزبان سران جنایتکار
اسلامی بود، باید تحت

از صفحه ۱

اعدامهای گسترده در
ایران

این قتل عمد دولتی بهر
طریق ممکن اعتراض کنند.
کمیته علیه اعدام سازمانهای
مدافع حقوق انسانی در دنیا
و بویژه سازمان عفو بین

از صفحه ۱

در فیلیپین اعدام ممنوع
شد!

از قتل، روزانه دستگاہ
دولتی آدم میکشد. اما حتی
به تجربه نیز همگان دیده
اند آنجا که قتل انسان ،
قانونی و عادی است، قتل
در جامعه نیز بیشتر است و

اجرای حکم اعدام بودند،
تبریک میگوییم زندگی آنها
نجات یافت و جنبش علیه
اعدام برای نجات زندگیا
است.

زنده باد جنبش جهانی
علیه قتل عمد دولتی

کمیته بین المللی علیه
اعدام

جهان مبارزه میکنیم. اعدام
وحشیانه و قرون وسطایی
است و باید فوراً در همه جا
ملغی شود.

لغو اعدام در فیلیپین را به
همه مردم فیلیپین و به همه
مدافعین حقوق انسانی در
دنیا تبریک گفته و بویژه به
همه ۱۲۰۰ نفری که در
سلول مرگ نشسته و منتظر

بالا تر رفته و کسی در آن
جامعه احساس امنیت
نمیکند.

مقابله با قتل عمد دولتی و
مبارزه با آن یک شاخص
دفاع هر کس و یا هر نهاد
و هر حزبی از حقوق
انسانی است.

ما برای ممنوعیت قتل عمد
دولتی و یا اعدام در سراسر

ارزش جان انسان کمتر.
ایران نمونه آشکار چنین
جامعه ای است. حکومت
اسلامی به راحتی آب
خوردن انسانها را میکشد،
در ملا عام به دار می
آویزد و صحنه های فجیع
انسان کشی را عادی میکند.
در جامعه، در خیابان و در
خانه، میزان قتلها بسیار

از صفحه ۱

حکم سنگسار یک زن

همسر و برادر او مردی
را که ادعا میشد با ملک
قربانی رابطه داشته است،
به قتل رسانده و اکنون هر
دو در زندان ارومیه هستند.
حکومت اسلامی این دو نفر
را به شش سال زندان
محکوم کرده است.

صدها نفر در دادگاههای
بین المللی محاکمه و
محکوم شوند.

به کمپین نجات ملک قربانی
بپیوندید و به ما کمک کنید
تا حکومت جنایتکار
اسلامی را وادار به عقب
نشینی کنیم!

کمیته بین المللی علیه
سنگسار

۲۷ ژوئن ۲۰۰۶
00491775692413

[http://
www.stopstoningnow.myph
otos.cc](http://www.stopstoningnow.myphotos.cc)

نفر را به سنگسار محکوم
میکند.

ملک قربانی آخرین نفر
است که در ایران به
سنگسار محکوم شده است.
کمیته بین المللی علیه
سنگسار ضمن ابراز خشم
شدید از این رفتار وحشیانه
و قرون وسطایی حکومت
اسلامی، اعلام میکند که
این حکم باید فوراً و بدون
فوت وقت ملغی شود. ملک
قربانی باید فوراً از زندان
آزاد شود.

از امروز سه شنبه ۲۷ ماه
ژوئن، کمپین ما برای نجات
جان ملک قربانی آغاز شده
و این بار باید کاری کنیم که
نه فقط حکومت اسلامی
فورا حکم را ملغی کند،
بلکه باید سران حکومت
اسلامی بجرم جنایت علیه
بشریت و بجرم سنگسار

سنگر به سنگر علیه این
توحش جنگیده و مانع از
اجرای احکام سنگسار در
ایران و سودان و افغانستان
و نیجریه و پاکستان شده
اند. کمیته بین المللی علیه
سنگسار بعنوان یک شبکه
گسترده جهانی با عضویت
بیش از دویست نهاد بین
المللی در راس این
مبارزات بوده و تا کنون
جان بسیاری از محکومین
به سنگسار را در دنیا
نجات داده است.

جمهوری اسلامی ایران که
سنگر مهم تروریسم اسلامی
در منطقه است، کماکان در
مقابل فشارهای بین المللی و
فعالیتهای گسترده علیه
سنگسار مقاومت میکند و
علیرغم اعتراضات جهانی
هر چند وقت یکبار، یک

سنگسار ، یک مجازات
وحشیانه اسلامی است.
سالهای سال است که
تروریستهای اسلامی حاکم
بر ایران، صدها زن را
بجرم رابطه خارج از
ازدواج، سنگسار کرده و
برگ سیاهی را در تاریخ
بشریت به ثبت رسانده اند.
بشریت متمدن و نهادهای
مدافع حقوق انسانی ، سنگر

سردبیر نشریه علیه اعدام

بابک شدیدی

تلفن: 0046733684151
ای میل:

babakshadidi@yahoo.com

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام

مینا احدی

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
ای میل:

minaahadi@aol.com

سایت کمیته:

www.adpi.net

مرگ بر جمهوری اسلامی

جامعه نیز رسمیت بیشتری داده است.

مقابله و اعتراض علیه سنگسار، مبارزه با وحشیگری و له کردن حرمت و حقوق انسانی زنان است. با صدای بلند علیه سنگسار ملک قربانی اعتراض کنید و اعلام کنید که مخالف سنگسار و مخالف دخالت دولت و مذهب در زندگی خصوصی افراد هستید. با اعتراض به سنگسار اعلام کنید که ناموس پرستی و قتل زنان بدلیل دفاع از ناموس ارتجاعي و وحشیانه است. بگویند که زنان ناموس هیچ کس نیستند. آنها انسان هستند و در مورد رابطه جنسی و زندگی خصوصی خود، میتوانند و باید خودشان تصمیم بگیرند.

بر علیه سنگسار این رفتار قرون وسطایی بیا خیزید! کمک کنید ملک قربانی را از سنگسار نجات دهیم!

کمیته بین المللی علیه
سنگسار

۲۷ ژوئن ۲۰۰۶

کمیته بین المللی علیه سنگسار
اطلاعیه شماره ۲

ملک قربانی را در زندان ارومیه خطر
سنگسار تهدید میکند!
به این رفتار قرون وسطایی و وحشیانه
جمهوری اسلامی اعتراض کنید!

برای ما ارسال کرده و برای نجات جان ملک و اعمال فشار و ابراز نفرت از این رفتار وحشیانه حکومت اسلامی با ما همکاری کنند.

رابطه جنسی افراد امر خصوصی آنها است و هیچ نهاد و یا دولتی نمیتواند در این مسائل دخالت کند. جمهوری اسلامی ایران که زنان را نیمه انسان حساب میکند، حکومتی که زن را مایملک مردان دانسته و برای آنها هیچ حقی در روابط جنسی قائل نیست، سالهای سال است که با دامن زدن به فرهنگ ضد زن و ضد انسانی، با دامن زدن و رسمیت دادن به قتل زنان و با قانونی کردن سنگسار زنان، عملاً مردسالاری و فرهنگ و اخلاقیات ارتجاعي را در

برادرملک نیز منجر میشود. اکنون طبق اخباری که به دست ما رسیده است، همسر ملک و برادرش به شش سال زندان و ملک قربانی به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شده است.

کمیته بین المللی علیه سنگسار از همه کسانی که خانواده ملک قربانی را می شناسند، میخواهد که فوراً ترتیب تماس ما با افراد خانواده او را داده و در اولین فرصت عکس و مشخصات او را برای ما ارسال کنند. کمیته علیه سنگسار به مردم نقده و ارومیه فراخوان میدهد که بطور ویژه در این مورد با ما همکاری کرده و اخبار و اطلاعات دقیق در مورد ملک قربانی را

ملک قربانی زن جوانی است که در زندان ارومیه به انتظار سنگسار نشسته است. ملک قربانی اهل نقده است و یک روز که با یک مرد در خانه تنها بوده از طرف همسر و برادرش مورد تعرض قرار میگيرد.

مرد جوانی که در خانه ملک قربانی بوده، در مقابل حملات و ضرب و شتم همسر و برادر ملک فرار میکند و در پشت بام خانه با ضربات چاقو به قتل میرسد. سپس خود ملک با کتک و بی حرمتی تمام، مورد اذیت و آزار از طرف همسر و برادرش قرار گرفته و با ضربات چاقو بشدت زخمی میشود. همسایه ها او را به بیمارستان برده و ملک سه روز در بیهوشی و کما بوده و سپس به هوش می آید.

طبق اخباری که به کمیته بین المللی علیه سنگسار رسیده، ملک را همسایه های او با دادن ضمانت از بیمارستان آزاد میکنند و او نزد چند نفر از آشنایان خود میرود. سپس حکومت اسلامی او را دستگیر و روانه زندان ارومیه میکند. این واقعه که حدود هشت ماه قبل اتفاق افتاده، به دستگیری همسر و



کمپین نجات ملک قربانی از سنگسار

سازمان آزادی زن

ملک بود به قتل میرسانند و ملک را هم تا حد مرگ با ضربات چاقو روانه بیمارستان میکنند. ملک که بدلیل جراحات وارده مدتی در بیمارستان بسر برده بود، اکنون در دادگاه به سنگسار محکوم شده است. این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی زنی را به سنگسار محکوم میکند. اما هر بار با اعتراض بین المللی و ادار به عقب نشینی گردیده است. سازمان آزادی زن ضمن ابراز انزجار از صدور این حکم

بنا بر اخبار رسیده به سازمان آزادی زن ملک قربانی ساکن نقده که در دادگاه به سنگسار محکوم شده بود، در تاریخ 24 ژوئن حکم خود را از مسئولین زندان ارومیه دریافت کرد. این خبر از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار هم تأیید گردیده است. ملک قربانی زن جوانی است که در چند ماه گذشته در زندان ارومیه زندانی است. چند ماه پیش برادر و همسر وی مردی را که در خانه

بنا بر اخبار رسیده به سازمان آزادی زن ملک قربانی ساکن نقده که در دادگاه به سنگسار محکوم شده بود، در تاریخ 24 ژوئن حکم خود را از مسئولین زندان ارومیه دریافت کرد. این خبر از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار هم تأیید گردیده است. ملک قربانی زن جوانی است که در چند ماه گذشته در زندان ارومیه زندانی است. چند ماه پیش برادر و همسر وی مردی را که در خانه

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

مصاحبه نشریه علیه اعدام با ایرج مصداقی

سلام و خسته نباشید. لطفا خودتان را بیشتر برای خوانندگان نشریه علیه اعدام معرفی کنید.

از سال ۶۰ تا ۷۰ را در زندان های اوین، قزلحصار و گوهردشت گذراندم. مثل بقیه ی کسانی که در این دوره زندان بودند، متحمل شکنجه و آزار واذیت های نظام جمهوری اسلامی شدم. در سال ۷۳ از کشور خارج شدم. در خارج از کشور فعالیت هایم بیشتر در زمینه ی دفاع از حقوق بشر و تلاش برای محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران بوده است. هم اکنون نیز از طریق اداره ی بخش حقوق بشر سایت دیدگاه تلاش می کنم در این زمینه فعال باشم.

یک مجموعه ی چهارجلدی از خاطرات دوران زندانم را در ۴ جلد به نام نه زیستن نه مرگ منتشر کرده ام. به زودی چاپ دوم آن را با اضافاتی منتشر خواهم کرد. به تازگی یک مجموعه از سروده های زندان را تحت نام «بر ساقه ی تابیده ی کنف» در ۳۰۰ صفحه انتشار داده ام. این مجموعه حاوی اشعاری است که پس از قتل عام ۶۷ در زندان های گوهردشت و اوین سروده شده و من این امکان را یافته ام که آن ها را از حفظ کنم. این اشعار خواننده را به حال و هوای قتل عام سال ۶۷ و روزهای پس از آن می برد.

به نظر شما مجازات چگونه تعریف میشود؟

مجازات تنبیهی است که در نظام های مختلف برای مجرم پیش بینی می شود. در این جا قصد ندارم به تشریح فلسفه مجازات بپردازم. مانند همه ی پدیده ها مجازات نیز در طول تاریخ دستخوش تغییراتی بوده است. تا اوایل قرن نوزدهم جنبه نمایشی مجازات نمود بیشتری داشت و تلاش می شد تا هر چه ممکن است مجازات جانکاه و درد آور باشد. در این سیستم هدف اولیه مجازات جسم قربانی بود. به همین دلیل می بینم احکام جزایی، شامل قطع دست، پا، شلاق زدن و... بوده است. در این نوع مجازات ها تعدیب یکی از اهداف اصلی مجازات بود. در همین اروپا

با قتل نیاستی پاسخ داد. حکم اعدام قتل با مجوز است. قبل از هر چیز این سؤال مطرح می شود، مگر تجاوز را با تجاوز پاسخ می دهیم؟ چرا وقتی کسی مرتکب تجاوز به عنف می شود ما نیز به او تجاوز به عنف نمی کنیم؟ چرا وقتی کسی مرتکب دزدی می شود ما نیز مقابله به مثل نمی کنیم؟ مشخص است کاری اگر غلط است از هر کس سر بزند نابجاست. قاضی و متهم ندارد. دولت و شهروند نمی شناسد. این مفهومی است که بایستی درک شود. در جامعه ی خشونت زده ما در بسیاری موارد قتل می تواند بدون برنامه ریزی از سوی قاتل صورت گرفته باشد. تصمیم های آنی، عصبانیت های گذرا، وجود قوانین ارتجاعی می تواند عامل قتل باشد. اما حکم اعدام قتل برنامه ریزی و طراحی شده از سوی حاکمیت و مجریان قانون است.

درست است یک موقعی قصاص قانونی مترقی و انسانی بود. وقتی که در قبال وقوع قتلی خون تملی قبیله مقابل میاح شمرده می شد، اکتفا به کشتن قاتل و کسی که مسبب قتل بوده اقدامی درست و اصولی بود که می توانست جان های زیادی را نجات داده و موجب حیات باشد. اما نه در جامعه ی امروز. جامعه پیشرفت می کند. قوانین متناسب با پیشرفت جامعه تغییر می کنند. ژوف گیوتین با نگاهی انسانی گیوتین را اختراع کرد تا از جان کندن قربانی جلوگیری کند. امروز تصور این که کسی را با گیوتین بکشند نیز ناهنجار است و نمودی از وحشیگری است.

بایستی توجه داشت که با کشتن فرد این پیام داده می شود که می توان جان ستاندن منتهای بایستی دلایلی مکفی و قانع کننده برای این کار داشت. آن وقت هر کس تلاش می کند دلایل خاص خودش را پیدا کند. قیح جان ستاندن از بین می رود. باید در همه حال در تقدیس زندگی سخن گفت و تبلیغ کرد.

اسلامی» بر خلاف کنوانسیون منع شکنجه است. تعزیر و حد و ... بخشی از قانون است. تخطی از آن تخطی از قانون است. قانون ضد حقوق بشر است. شکنجه در مفهوم بین المللی آن تنها کابل زدن و یا ایراد ضرب و جرح به هنگام دستگیری و بازجویی نیست. در اسناد بین المللی در کنار شکنجه از مجازات های بیرحمانه و قرون وسطایی مانند، سنگسار، شلاق زدن، قصاص و همچنین اقدامات تحقیر کننده و توهین آمیز مانند چرخاندن متهم در کوچه و خیابان، تراشیدن موی سر، فحش و ناسزا و ... نیز به عنوان مصادیق شکنجه نام می برند. با در نظر گرفتن آن چه که قوانین و توصیه های بین المللی در این زمینه مقرر داشته اند برای مقابله با شکنجه و شکنجه گران در جمهوری اسلامی راهی به جز سرنگونی آن ها متصور نیست. چون غالب اعمالی که در جمهوری اسلامی انجام می گیرد تداعی کننده یکی از موارد ذکر شده در کنوانسیون منع شکنجه است و شعاع آن تنها به زندانیان و دستگیر شدگان محدود نشده و دامان بسیاری از مردم عادی جامعه را نیز می گیرد.

با کشتن یا نکشتن قاتل به جامعه چه پیامی داده می شود؟

در همه کشورهایی که حکم اعدام اجرا می شود و به ویژه در کشور ما مسئله صدور حکم اعدام و جان ستاندن تنها منحصر به کسانی که مرتکب قتل می شوند نیست. حتا ساده ترین اعمال مثل انتخاب روابط جنسی می تواند منجر به فجیع ترین نوع کشتن یعنی سنگسار شود. قانون مقرر داشته که اگر سه بار حد (شراب خواری، دزدی ...) بر کسی جاری شد در بار چهارم حکم او قتل است. حتا دامنه ی آن را تا رعایت مسئله ی حجاب نیز گسترش می دهند. احکام اعدام صادره در رابطه با قاچاقچیان مواد مخدر و... نیز یکی از این نمونه هاست. اما در رابطه با کشتن قاتل، مسئله ساده است. قتل را

سخت ترین مجازات ها را در ملاء عام انجام می دادند، بدون آن که با مخالفتی روبرو شود. در این سیستم تصور می شد با درآوردن مجازات و انجام آن در ملاء عام از طریق ایجاد رعب و وحشت به مقابله با جرم و جنایت (از دید حاکمان) می توان پرداخت. اما از اواسط قرن نوزدهم تنبیه جسمی آهسته آهسته محو شد. نمایش درد از مجازات حذف گردید. و تلاش های بسیاری انجام گرفت تا کیفرها تعدیل شده و با جرم ها متناسب شوند. در همین حال کوشش به عمل آمد که کیفر مرگ فقط برای مجرمانی در نظر گرفته شود که مرتکب قتل شده اند. امروزه نگاه به مجازات تغییر یافته. دنیای متمدن به سمتی می رود که در آن اعدام جایی ندارد. چرا که راه حل نیست.

چگونه می توان با شکنجه و شکنجه گران مقابله کرد

قبل از هر چیز تلاش فعالان حقوق بشر بر این پایه قرار گرفته است که به لحاظ ارزشی شکنجه را عملی غیر انسانی جلوه دهند. برای نخستین بار فردریک کبیر پادشاه پروس در سال ۱۷۵۴ استفاده از ابزار شکنجه را غیر قانونی اعلام کرد و این قدم بزرگی بود که نهایتاً منجر به تصویب کنوانسیون منع شکنجه و همچنین پروتکل الحاقی آن توسط سازمان ملل متحد و ارگان های ذیربط آن شد. ابتدا ضروری است این مفهوم جا انداخته شود که شکنجه عملی است غیر انسانی و سپس قوانینی را تصویب کرد که عاملان و آمران شکنجه را با مجازات های سنگین روبرو کند. آن چه که در اینجا مهم است اراده ی اجرای قوانین است. وگرنه وجود قوانین باعث جلوگیری از شکنجه نمی شود. بماند که در نظام جمهوری اسلامی قانون، تجویز و توصیه به شکنجه و مجازات های بیرحمانه دارد. مجازات های قرون وسطایی در متن قانون است. قانون «مجازات

عده ای بر این عقیده اند که مجازات اعدام موجب کاهش قتل و جنایت در جامعه می شود. شما در این زمینه چه فکر میکنید؟

این دیگر عقیده و نظر نمی خواهد. علم و پیشرفت علمی تکلیف ما را مثل بقیه امور می تواند مشخص کند. می توان در این زمینه به آمار و ارقام مؤسسات علمی و محققین زیربط مراجعه کرد. مثلاً در آمریکا می توان نمونه های آماری را کنار هم گذاشت و نتیجه گرفت مجازات اعدام در ایالت هایی که حکم اعدام در آن ها انجام می شود چقدر در کاهش جنایت مؤثر بوده و آن را با ایالت هایی که مجازات اعدام را لغو کرده اند مقایسه کرد. آمارها در همه جای دنیا نشان می دهند که مجازات اعدام نتوانسته موجب کاهش قتل و جنایت گردد. این یک سیکل معیوب است. جمهوری اسلامی یک مدل مناسب برای ارزیابی این عقیده است. چنانچه ملاحظه می کنید هر چه که می گذرد قتل های صورت گرفته بیشتر و فجیع تر می شوند. به آمار زنان شوهرکش در کشورمان توجه کنید. این پدیده در کشور ما جدید است. ناشی از قوانین ارتجاعی و زن ستیزانه است. وجود قوانین ارتجاعی باعث تبدیل این دسته از زنان به قاتل و جنایتکار شده است. عامل را بایستی از بین برد نه آن که به معلول پرداخت. اگر کسی بتواند به راحتی از همسرش جدا شود و با کسی که مایل است ازدواج کند که دیگر این قتل های فحیح اتفاق نمی افتد. قوانین خشن تنها باعث تشدید خشونت می شوند و مانع از قتل و جنایت نمی شوند. امروز حتی مقامات جمهوری اسلامی هم اعتراف می کنند که قانون تشدید مجازات قاچاقچیان مواد مخدر که در سال ۶۷ در مجمع تشخیص مصلحت تصویب شد و با توسل به آن به راحتی حکم اعدام صادر می کردند برای مقابله با معضل مواد مخدر کارایی ندارد. امروز دیگر کسی نمی گوید در مدارس افراد را به چوب فلک

ببندیم تا بهتر درس بخوانند و یا کمتر اذیت کنند. چرا که می دانند این روش تأثیر معکوس دارد.

یک سوال متفاوت. چه تفاوتی بین مجازات اعدام و حبس ابد هست؟

به نظرم بهتر است سوال شود چه فرقی بین مجازات اعدام و حبس و یا مجازات های جایگزین است. چرا که مخالفت با اعدام لزوماً به معنای موافقت با حبس ابد نیست. مجازات بایستی متناسب با جرم باشد. بعضی از جنایت های تکان دهنده به شدت روی روح و روان جامعه تأثیر می گذارد. با در نظر گرفتن عوامل گوناگون می بایستی به مجازات مجرم پرداخت. نیاز است که امکان آموزش، تعلیم و تربیت، جبران اشتباه و بازگشت به جامعه برای همه مجرمان فراهم شود. لازم است که جنبه بازسازی در نظر گرفته شود و به مجازات ها جنبه ای انتقामी و تنبیهی نداد.

در ثانی در همه ی شرایط لازم است خواسته های ما مرحله ای باشد. برای مثال امروز همه ی نیروها می بایستی روی لغو مجازات اعدام متمرکز شوند و از باز کردن کانال های فرعی اجتناب کنند چرا که نیروها را به هرز می برد و ما را از بحث اصلی دور می دارد. اول بایستی برادری مان را ثابت کنیم بعد سر ارث و میراث دعوا کنیم.

مجازات اعدام یعنی پاک کردن صورت مسئله و نه حل آن. می بایستی زمینه های بروز جنایت را از بین برد و نه جانی را. سیستم غلط به تولید جنایتکاران جدید خواهد پرداخت.

امکان خطا و مجازات بی گناهان یکی از دلایل مخالفت با اعدام است. اگر در صدور حکم اشتباهی صورت گیرد دیگر امکان جبران نیست. آن وقت تکلیف چیست؟

کسی که زنده می ماند و حکم اعدام در رابطه با او اجرا نمی شود یعنی همه درها به روی او بسته نیست و هر لحظه امکان گشایشی در رابطه با او می رود.

بین اعدام و حبس ابد از این منظر تفاوت بین مرگ و نیستی و زندگی است. تنها اجرای حکم اعدام است که برگشت ناپذیر است. این مسئله

در رابطه با احکام دیگر صادق نیست.

زندان های طویل المدت پدیده ی جدیدی است. اصولاً در رابطه با مجازات های جایگزین می بایستی متخصصان روانشناسی، جامعه شناسی، جرم شناسی و ... نظر بدهند. از منظر سیاسی و ایدئولوژیک نمی توان به این مسائل نگاه کرد. بالطبع ما نیز می بایستی تابع نظر متخصصین باشیم.

در گذشته داشتن زندان مقرون به صرفه نبود. قبل از انقلاب صنعتی از زندان به عنوان محلی موقت برای مشخص شدن مجازات قربانی که عمدتاً جریمه و یا تعزیر بود استفاده می شد. در آن موقع مجرمین سابقه دار به اعدام محکوم می شدند. در ایران نیز وضع به همین ترتیب بود و زندان ها به شکل دخمه های بودند و زندانیان نیز مانند احشام در اختیار دوستداران قرار داشتند و جزو مایملک او محسوب می شدند. آن موقع تقریباً می شود گفت در اکثر موارد پس از زندان موقت، یا متهم محکوم به اعدام بود و یا آزادی همراه با معلولیت جسمی.

فقط در یک هفته اخیر ۹ نفر در ایران اعدام شدند به نظر شما جمهوری اسلامی ایران خواهان رساندن چه پیامی به جامعه است؟

جمهوری اسلامی هرگاه که با بحرانی مواجه می شود، برای غلبه بر آن به اجرای احکام اعدام روی می آورد. رژیم با بحران های قومی در آذربایجان، کردستان، خوزستان و بلوچستان روبرو است. به سالگرد ۱۸ تیر نزدیک می شویم. به این وسیله اعلام می کنند ما همچنان آماده جان ستاندن و وحشیگری هستیم. به این ترتیب تلاش می کنند رعب و وحشت را در جامعه افزایش دهند و از این طریق جامعه را به رخوت و خمودی بکشانند.

برای نجات جان محکومین به اعدام چه باید کرد؟

قبل از هر چیز بایستی تلاش کنیم تا نظام حاکم بر کشورمان را براندازیم تا مشکل را به صورت کلان حل کنیم تا مجبور نباشیم هر روز تمام نیروهایمان را برای جلوگیری از اعدام یک نفر بسیج

کنیم، تازه موفق بشویم یا نشویم.

اما این نبایستی مانع از آن باشد که ما دست از تلاش برداریم. قبل از هر چیز لازم است این تفکر را در جامعه جا بیندازیم که اعدام راه حل نیست. اجرای حکم اعدام انسانی نیست. بایستی این فرهنگ را گسترش داد تا فشار افکار عمومی باعث کم شدن موارد اعدام شود.

در موارد مشخص می توان با راه اندازی کارزارهای مختلف و استفاده از اهرم فشارهای مختلف و بسیج افکار عمومی بین المللی مانع از اجرای حکم اعدام شد. در سال های گذشته در مواردی ما موفق به انجام این کار شده ایم ولی کافی نیست. ابعاد فاجعه وسیع است و امکانات ما محدود.

در خاتمه ذکر این نکته را ضروری می دانم که برداشت من از لغو حکم اعدام و مخالفت با «خشونت» به هیچ وجه به معنای مخالفت با «مقاومت» و اعمال شیوه های قهرآمیز از سوی مردم و نیروهای سیاسی برای مقابله با یک نظام قرون وسطایی که به هیچ قاعده و قانونی نیست نمی باشد. مبارزه توده ها بر علیه قدرتمندان را نبایستی با مارک خشونت مردود اعلام کرد. مخالفت با حکم اعدام و خشونت به منزله ی مخالفت با انقلاب و دگرگونی رادیکال نیست.



آوای زندگی در فیلیپین به صدا در آمد!

آرش سرخ

دولتی قرار دارند. باید این کشورها را نیز به زانو در آورد. باید مجازات اعدام را به تاریخ سپرد. باید به کشورهای دیگر آسیای جنوب شرقی، بخصوص آن‌ها که مثل مالزی ادعای صلح و صلح طلبی هم دارند، فشار آورد تا این مجازات قرون وسطایی را لغو کنند. ایالات متحده و ایران، دو کشور درگیر در اصلی‌ترین مخاصمه‌ی کنونی جهان، هر دو از بزرگ‌ترین قاتلان دولتی جهان هستند و این تازه بدون احتساب جنایت‌ها و آدم‌کشی‌هایشان تحت عناوین دیگر است. با سرنگونی جمهوری اسلامی و با مقابله با میلیتاریسم آمریکا، با قتل عمد دولتی نیز مقابله خواهد شد. باید به جبهه‌ی سوم برای نیل به این هدف پیوست.

یک بار دیگر این خبر را به کمیته بین‌المللی علیه اعدام، مردم آزادی‌خواه و ضد اعدام تمام دنیا و مهمتر از همه مردم فیلیپین تبریک می‌گویم. باشد که روزی آوای زندگی با سرنگونی کل نظام سرمایه‌داری، این پایه‌ی همه‌ی بدبختی‌های جهان ما، در تمام جهان به صدا درآید.



فیلیپین، خانم گلوریا ماکاپاگال-آرپیو، با امضای "قانون جمهوری شماره‌ی 9346" به لغو اعدام تن داد. در همان دم 1230 نفر از محکومین به اعدام نجات یافتند تا "عفو بین‌الملل" گزارش کند که این بزرگترین توقف یک‌جای اعدام‌ها در تاریخ جهان بوده است. در این میان بی‌شک بسیاری به یاد پاکو لارانگا بودند. فرانسیسکو خوان پاکو لارانگا همان کسی بود که به همراه شش نفر دیگر در پرونده‌ی مشکوک به جرم قتل در 1997 اعدام شد.

با این خبر، فعالین جنبش علیه اعدام در تمام دنیا جشن گرفته‌اند و یک کشور دیگر را هم به لیست کشورهایایی که اعدام را لغو کرده‌اند اضافه کردند و به سراغ نقشه‌های مربوط به وضعیت اعدام در جهان رفتند تا فیلیپین را نیز به رنگ زندگی رنگ کنند و چه لذتی دارد رنگ کردن تمام جزایر کوچک و بزرگ فیلیپین به رنگ زندگی. اکنون مجازات اعدام در 87 کشور به کلی لغو شده، در 11 کشور تنها در شرایطی بسیار ویژه اجرا می‌شود، و در 25 کشور حداقل 10 سال است که اجرا نشده. 73 کشور هنوز در لیست جنایتکاران و قاتلان

شرقی سابقه‌ای طولانی و دهشتناک دارد. دولت ویتنام در همین سال گذشته 64 نفر را با این نام به قتل رساند. این دولت، که با پیش‌روی نام کمونیسم را نیز با خود حمل می‌کند، از قاتل‌ترین دولت‌های جهان است. دولت‌های مالزی و سنگاپور انسان‌ها را حتی به جرم حمل مواد مخدر اعدام می‌کنند و این را با افتخار در ویزای کشورهای خود نیز ذکر می‌کنند. همین چند وقت پیش بود که سنگاپور شهروند استرالیایی ویتنامی‌الاصلی را به همین جرم به قتل رساند تا موجی از خشم و نفرت علیه این دولت شکل گیرد. در تمام جهان سنگاپور بیشترین نرخ قتل عمد دولتی نسبت به جمعیت را دارا است....

و در چنین منطقه‌ای است که اعدام در یکی از مهمترین کشورهای منطقه لغو می‌شود. فیلیپین ابتدا در 1987 در قانون اساسی مجازات اعدام را لغو کرد تا اولین کشور آسیایی باشد که چنین می‌کند. اما در دسامبر 1993 یک "قانون جمهوری" صادر شد تا این مجازات دوباره برقرار شود. پس از مخالفت‌ها و اعتراضات گسترده بالاخره در 24 ژوئن 2006 رئیس

در نزدیکی‌های خط استوا، در نیمکره‌ی شرقی زمین، یکی از زیباترین و اعجاب‌انگیزترین مناطق کره‌ی زیبای ما قرار گرفته است. "آسیای جنوب شرقی" که من نیز مدتی شانس زندگی در آن را داشتم، ام پر از جلوه‌های زیبای طبیعت و تاریخ و مردمی شاداب و پر شور و شر و رنگ است. اما همچون بقیه زیبای‌های جهان ما این منطقه نیز با حکومت‌ها و دولت‌های کثیف و ستمگر آکنده است و سود مقدس سرمایه‌ایجاب می‌کند که این بهشت زمینی را با خون و چرک و عرق مردم به جهنمی برای ساکنینش تبدیل کنند. در فیلیپین، مجمع‌الجزایری از جزیره‌های بی‌شمار در آسیای جنوب شرقی، نیز مردم سال‌هاست که اسیر این درد و رنج هستند. تخاصم "جبهه‌ی اسلامی آزادی بخش مورو" (متصل به القاعده) با دولت فیلیپین در جنوب این کشور حداقل بیست سال است که ادامه دارد و یکی از خونین‌ترین و طولانی‌ترین جنگ‌های جهان ماست و جان بسیاری را به جرم شناسنامه‌شان و مسلمان یا مسیحی بودنشان گرفته است.

اخیرا اما اتفاقی در این کشور، آواز زندگی را به صدا در آورد. جنبش لغو اعدام موفق شد یک بار برای همیشه مجازات اعدام را لغو کند تا در دم جان حداقل هزار نفر نجات یابد. قتل عمد دولتی تحت نام مجازات اعدام در آسیای جنوب

از صفحه ۱

آکسیون سازمان آزادی زن

قربانی و افشای جنایت جمهوری اسلامی در مرکز شهر گوتنبرگ برگزار گردید. در این آکسیون دو ساعته دهها اطلاعیه به زبانهای سوئدی و فارسی در میان مردمی که با دیدن پلاکارت‌های سازمان آزادی زن در مورد حکم سنگسار و عکسهای زنانی که محکوم به سنگسار شده‌اند پخش شد. بسیاری از رهگذران به میز آزادی زن مراجعه میکردند و خواهان اطلاعات بیشتری در مورد موقعیت زنان در ایران و همنیطور جنبش



جنبش زنان میشدند. تعدادی از مراجعه کنندگان هم خواهان تماس بیشتری با سازمان آزادی و اطلاعات بیشتری در مورد فعالیت‌های آن شدند. هم چنین در این آکسیون دهها نسخه اطلاعیه به زنان سوئدی در رابطه با تظاهرات 22 خرداد زنان در



به کمیته
بین المللی
علیه اعدام
پیوندید
Www.a
dpi.net



بار دیگر سنگسار...

مسعود ابراهیم نژاد

است که به بلای خانمانسوز اسلام گرفتار شده اند. اکثریت قریب به اتفاق این قربانیان در زندگی خصوصی خود متحمل محرومیتها و ظلمهای بی حد و حس از سوی نزدیکان خود بوده اند. بیاییم از بعد انسانی به ماجرای زندگی ملک قربانی ها نگاه کنیم. بیاییم در واقع برای لحظاتی خودمان را خالصانه جای ملک قربانی ها بگذاریم... همه ما میدانیم که هر زنی آرزوی تشکیل یک خانواده و بهره مندی از یک کانون گرم و امن خانوادگی را دارد. این آرزوی همه انسانها میباشد. ملک نیز مانند هر زنی با این آرزو لباس عروسی بر تن کرد و با امید به این که به یک کانون امن و گرم و با محبت خانوادگی دست پیدا کند به ازدواج مردی تن در داد... اما ملک وقتی وارد زندگی زناشویی اش شد همه چیز را کاملاً بر عکس دید. از محیط

انسانی مواجه هستیم. عنصر اولی حکومت میباشد که قوانین اسلامی و ارتجاعی را پایه و مبنای قوانین مملکتی و اداره سیاسی کشور قرار داده است که حاصل و نتیجه آن همین احکام غیر انسانی و هزاران مرتبه پست تر از حیوانی میباشد و عنصر دومی که آنهم نتیجه و تلاش مروجین اسلامی میباشد [فرهنگ] منحنی اسلام ارتجاعی حاکم بر توده های ناآگاه میباشد. ما میبینیم که برادر و شوهر ملک قربانی در یک اقدام جاهلانه جان انسانی بیگناه را به صرف رابطه جنسی گرفته اند و حکومت قاتل پرور اسلامی نیز از آنها در عمل حمایت نموده و کارنا تمام آنها را با حکم به سنگسار خانم ملک قربانی کامل میکند و همچنین برای دو قاتل فوق نیز حد اقل مجازات را قابل میشود. این یک نمونه کامل و روشن از جامعه عدل اسلامی میباشد. داستان زندگی ملک قربانی بدون شک داستان مکرر و متشابه بسیاری از زنان کشورهایی

برادر و شوهر وی به قتل رسیده است. قاتلین نیز هم اکنون در زندان بسر میبرند و هر کدام به شش سال زندان محکوم گردیده اند. کلمه به کلمه و سطر سطر این خبر حاکی از ظلم، نابرابری، بی قانونی، بر بریت، توحش، واپس گرایی و پایمال نمودن ابتدایی ترین حقوق انسانی میباشد. ابتدایی ترین حقوق انسانی در یک جامعه انسانی عبارت است از به رسمیت شناختن حق حیات برای همگان. هر انسانی آزاد و مختار میباشد که در مورد زندگی شخصی خود تصمیم گیری نماید. در یک جامعه انسانی ابراز احساس و برقراری رابطه احساسی با رضایت طرفین جرم نمیشود. در یک جامعه انسانی هیچ انسانی حق تصمیم گیری در مورد زندگی و یا سلب حق زندگی دیگران را ندارد. اما ببینیم که چگونه انسانهایی به این سادگی حق زیستن را از دیگران سلب میکنند. در رابطه با مورد خانم ملک قربانی ما با دو عنصر مخرب و ضد

خبر بسیار تاسف بار بود... و یا شاید بهتر بگویم دردناک بود... آنقدر دردناک بود که هر چه گشتم نتوانستم واژه و یا کلمه ای مناسب که بتواند ابعاد این شنانت و جنایت را روشن نماید پیدا کنم. این روزهای اخیر مطلع گشتیم که رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بار دیگر زنی را به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج به مرگ از طریق سنگسار محکوم نموده است. بلافاصله دوستان و یاران سخت کوش مان کمیته ای را جهت نجات این زن نگون بخت تشکیل داده اند و دست یاری و کمک بسوی تمامی وجدانهای بیدار دراز نموده اند که بار دیگر انسانی را از چنگال مرگ برهاندند. در این ارتباط من به هیچ وجه قصد صدور اطلاعیه و محکوم نمودن این جنایت ضد بشری را ندارم. چرا که این جنایت بقدری شنیع و ضد بشری است که در نزد هر انسان با شرف و با وجدانی خود به خود محکوم هست. ملک قربانی نام زنی است که همین چند روز پیش در زندان ارومیه محکوم به مرگ از طریق سنگسار شده است. این بانوی شوهردار توسط گزرمه های جمهوری اسلامی به جرم رابطه جنسی دستگیر میشود و مردی هم که ادعا میشود با این خانم رابطه داشته است توسط

مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هر دو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجانبی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

منصور حکمت

حکم اعدام دو محکوم به قتل عمدی در ایرانشهر اجرا شد.

روزنامه دولتی رسالت خبر داد بنابر رای صادره از سوی دادگاه عمومی

ایرانشهر "علی اربابی" فرزند محمد به اتهام قتل عمدی و "فرزانه یوزان" به اتهام قتل در تاریخ ۱۸ خرداد در محوطه زندان ایرانشهر اجرا شد.

اعدام ۲ نفر در سیستان و بلوچستان به اتهام آدم ربایی

بنابرخبر منتشره از رادیو اسرائیل، دادگستری زاهدان اعلام کرد ۲ نفر را به نامهای "سعید الف" و "ناصر شین" به اتهام فساد فی الارض روز ۲۴ خرداد ۸۵ اعدام کرده است.

آخرین اخبار اعدام در ایران

بابک شدیدی

عبدالصمد خرمشاهی وکیل پایه یک دادگستری در باره اینکه چرا عامل این جنایت به ۱۰ سال حبس محکوم شده است گفت: چون فرد قاتل، ۱۰ نفر را به قتل رسانده است، بنابراین اگر اولیای دم یکی از این ۱۰ نفر اعلام رضایت کند، اولیای دم ۹ نفر دیگر می‌توانند حکم را اجرا کنند. وی ادامه داد: حتی اگر قاتل بتواند از اولیای دم ۹ نفر رضایت بگیرد و یک نفر هم رضایت ندهد باز هم او قصاص می‌شود. از سویی اگر حکم اجرا شود و فرد قاتل بالای چوبه دار برود ولی زنده بماند، باز هم قصاص می‌شود چون حکم ۱۰ بار قصاص داشته است. خرمشاهی افزود: حتی اگر این مجرم ۹ بار هم پس از اجرای حکم زنده بماند، برای بار دهم حکم در مورد او اجرا خواهد شد.

حکم قصاص برای دختر

نقاش، دل‌آرا اعدام می‌شود



دل‌آرا دختر نقاشی که متهم است با همدستی پسر مورد علاقه‌اش پیرزن و روتمندی را به قتل رسانده، برای دومین بار به قصاص محکوم شد. پس از پایان جلسه محاکمه، دادگاه اظهارات دل‌آرا را نپذیرفت و وی را به قصاص و امیرحسین را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد و پرونده با توجه به اعتراض دل‌آرا به دیوان عالی کشور فرستاده شد و قضات دیوان حکم قصاص را نقض کردند و پرونده برای رسیدگی به شعبه بازگردانده شد. قاضی دوباره دل‌آرا را محاکمه کرد، اما به رغم انکار وی و استدلالات خرمشاهی وکیل مدافعش قاضی دادگاه بار دیگر دل‌آرا را به قصاص محکوم کرد و با اعتراض متهم و وکیلش پرونده برای دومین بار به دیوان عالی کشور خواهد رفت.

الف» عامل اصلی جنایت خانوادگی جهرم برابر دادخواست اولیای دم به ۱۰ بار قصاص و پرداخت دیه دو نفر از درگذشتگان محکوم شده است. قاضی رضاییان درباره دو همدست متهم ردیف اول جنایت خانوادگی جهرم گفت: پسر و کارگر افغان علی محمد که به اتهام معاونت در قتل ۱۲ نفر از اهالی جهرم دستگیر شده بودند، تبریه شده‌اند. اسفند ماه گذشته «علی محمد. الف» ۱۲ نفر از اعضای خانواده خود را بخاطر اختلافات مالی و ملکی با سلاح گرم به قتل رساند. چرا ۱۰ بار قصاص؟

اعدام در ملاً عام در اصفهان
دستگاه قضایی مردی را در ملاً عام در اصفهان اعدام کرد. به گزارش رسانه‌های حکومتی، وی محمد بخشیان نام داشت.

۱۰ بار قصاص در

ملا عام، مجازات عامل

قتل عام خانوادگی جهرم

عامل اصلی جنایت خانوادگی جهرم به ۱۰ بار قصاص در ملا عام محکوم شد. داوود رضاییان، رییس شعبه سوم دادگاه کیفری استان فارس در گفت‌وگو با ایسنا، گفت: «علی محمد.

خواب و رویای شیرینش جدا ساختند... عاشق نگون بخت را با ضربات دشنه و تبر به قتل رساندند و معشوق را به مرگ با سنگسار محکوم نموده‌اند... اکنون ملک در انتظار مرگی سخت و جانخراش به جرم عشق ورزیدن میباشد... ملک در سلولهای سرد و نمور زندان به یاد نگاههای گرم و جانبخش عشق خویش می‌گریزد... عاشق نگون بخت نیز در زیر خروارها خاک آرمیده است و جرمش عشق ورزیدن بوده است... اما گزمه‌ها و داروغه شهر بزودی سنگهای تیز و درشت را بر سر و روی ملک خواهند کوبید تا با درد و عذابی سخت جاننش را بستانند... ملک با لباس سفید عروسی به خانه بخت رفت ولی با کفن خونین از آن زندان بیرون خواهد رفت...

بیا بید نگذاریم که این داستان شوم و تکراری ادامه پیدا کند و ملک و ملکه‌های دیگر قربانی متحجرین خشک مغز گردند...



در آن زندان خانوادگی گذراند تا این که یک روز جرعه ای از احساس در دلش شعله ور شد... در اوج ناامیدی و یاس و بی کسی و بی محبتی... نگاهی محبت آمیز بسویش افکنده شد... حس غریبی در وجودش پیدا شد... ملک به زندگی امیدوار شد... آری... وی دریافت که میشود در این دنیای سخت و نا مهربون هم به محبت دست یافت... کسی در زندگی ملک پیدا شد که توانست جای خالی محبت را برایش پر نماید و دستی از عشق و با احساس و محبت به سویش دراز کند... ملک برای اولین بار عشق را در زندگیش تجربه میکرد... چه احساس زیبایی...

آیا عشق که در قصه‌ها و افسانه‌ها از آن یاد میشود همین هست؟ پس چرا این را ممنوع نموده‌اند؟؟ مگر عشق و عشق ورزیدن چه زیبایی دارد که اسلام‌گرایان با آن در ستیزند؟؟ هنوز ملک نگون بخت گرمی و لذت عشق را به درستی احساس نکرده بود و هنوز از نگاههای گرم و شیرین عشق سیراب نشده بود که دست پلید اسلام‌گرایان بار دیگر ملک را از خواب و رویای شیرینش جدا

گرم و با محبت اثری پیدا ننمود... ملک هنوز معنی و مفهوم عشق را نچشید... ملک نفهمید که برای چه شوهرش با وی بد رفتاری میکند و وی را مورد ضرب و شتم قرار میدهد؟ در جامعه سنتی ما و بخصوص در روستاها و شهرستانهای کوچک بندرت دختری میتواند با شناخت از شوهر آینده اش و یا با آزادی کامل به ازدواج کسی که میخواهد درآید.

باری... ملک به خانه بخت پا گذاشت اما همه آرزوهایش و رویا هایش را نقش بر آب دید... سالها بدین منوال سوخت و ساخت... چرا که از دوران طفولیت در گوشش خوانده بودند که زن با لباس سفید عروس به خانه شوهر میرود و با کفن سفید هم از آنجا بیرون میاید!!! ملک که جز آزار و زجر و کار سخت چیزی از زندگی زناشویی ندیده بود، به هیچ وجه فکر طلاق را هم نمیتوانست بکند. چرا که در این صورت خانواده پدری وی هم وی را طرد میکردند... از این گذشته یک زن مطلقه در یک جامعه اسلام زده چگونه میتواند سری بین سرها بلند کند؟... با این اوضاع و احوال ملک منتها را در آن زندان خانوادگی گذراند تا این